

عنوان تحقیق : تدلیس در سیاسیت

محقق : زهرا معصومی

نام استاد : استاد سیاحت اسفندیاری

نام درس : روش تحقیق

رشته تحصیلی : تفسیر و علوم قرآنی

عنوان دوره : مجازی

سال تحصیلی 90-91

3	چکیده
4	مقدمه
4	تدلیس در لغت
4	تدلیس در اصطلاح
4	واژه‌شناسی و پیشینه تاریخی
4	تدلیس در قرآن و احادیث
5	بررسی فقهی
6	تدلیس در حقوق موضوعه و حقوق جزا
8	تدلیس در سیاست
9	الف : سیاست و رعایت شرف انسانی
10	ب : دو بینش سیاسی در جامعه اسلامی
13	ج : سیاست در نگاه امام خمینی «ره»
14	1- ذکاوت امام در شناخت ریاکاران
17	2- فریب ملت با شعار «شاه سلطنت کند نه حکومت»
18	3- بازی با ملت ها با سازمان های بین المللی
18	4- صفای نفس و سادگی از عوامل بازی خوردن
20	نتیجه گیری
21	منابع

چکیده

تدلیس اصطلاحی فقهی و حقوقی است که به معانی پوشاندن عیب و فریب دادن، خدعه، نیرنگ و ظلمت به کار رفته است. این واژه صریحا در قرآن نیامده است اما در احادیث و روایات به آن اشاره شده است. با توجه به اینکه اصطلاحی فقهی است که بار حقوقی دارد در کتب فقهی درباره تعریف آن و مصادیق و احکام آن بحث شده است که بیشترین اشاره کتب فقهی به موارد تدلیس در نکاح و بیع می باشد که مشهورترین بحث آن بر طبق کتاب مکاسب که در قسمت مکاسب محرمه از آن بحث می شود تدلیس ماشطه و احکام مربوط به آن می باشد ولی از آنجا که در تعریف ذکر شده از تدلیس مفاهیمی چون دروغ، نیرنگ و فریب نهفته است لذا می توانیم تمام اموری که به نحوی بوسیله دروغ و نیرنگ و فریب در سودجویی یا ضرر افراد جامعه دخالت دارد را ذیل این موضوع بیاوریم. یکی از اموری که در طول تاریخ در سرنوشت ملتها و امتهای دخالت داشته است تدلیس در سیاست و امور سیاسی می باشد. از دیدگاه پیامبر و ائمه ی معصومین هر چند سیاست جایگاه وسیعی برای تدلیس دارد اما چون این یک امر شیطانی است و برخلاف نظر خدای متعال می باشد به هیچ وجه مورد قبول نیست و مسلمانان باید در تمامی امور تقوا، راستگویی، صداقت و شرافت انسانی را سرلوحه ی زندگی خود دهند.

مطلبی که در این نوشتار دنبال می شود تدلیس در سیاست می باشد . از آنجا که قبل از ورود به هر بحثی روشن شدن مبادی تصویری و تصدیقی آن لازم است ، ابتدا به معنای لغوی واژه تدلیس در کتب لغت پرداخته و سپس معنای اصطلاحی آن را مورد بررسی قرار داده ایم . از آنجا که این واژه کاربرد فقهی و حقوقی دارد لذا این واژه در این دوحوزه نیز مورد بررسی قرار گرفته اند و سپس به مطلب اصلی یعنی تدلیس در سیاست پرداخته شده است . در بحث تدلیس در سیاست نیز به برخی دیدگاه های رایج و همچنین سیاست از دیدگاه اسلام و از نظر امام خمینی «ره» پرداخته شده است .

تدلیس در لغت

در زبان عربی تدلیس بر وزن تفعیل، مصدر فعل ثلاثی مزید «دَلَسَ» و همانند «مدالسه» به معنای فریفتن، پوشاندن و کتمان عیب است. برای نمونه تدلیس در بیع عبارت از کتمان عیب کالا از مشتری است. اگرچه فعل ثلاثی مجرد «دلس» نیز کاربرد دارد، اما استعمال اولی گویاتر است. از نظر ریشه، واژه تدلیس برگرفته از «دلس» به معنای «ظلمت» است.¹

تدلیس در اصطلاح

تدلیس، اصطلاحی در فقه و حقوق به معنای فریفتن دیگری و ترغیب او به انجام دادن عمل حقوقی. کاربرد این اصطلاح در عقود و به طور خاص، در بیع و نکاح است. تدلیس بسته به موارد آن ممکن است از طریق «فعل»، «قول» و یا «سکوت» تحقق یابد.

واژه شناسی و پیشینه تاریخی

از نظر اشتقاق، بجز عربی در زبانهای سامی دیگر نیز واژه های با بن 3 حرفی «د ل س» به مفهوم تقلب و فریب به کار رفته است.²

در توجیه ارتباط اصطلاح فقهی تدلیس با معنای ریشه ای آن، گفته شده است که تدلیس کننده (مدلس)، موضوع دارای عیب را در ظلمت قرار می دهد و واقعیت را دگرگون نشان داده، درصدد باوراندن غیرواقع به طرف مقابل است.³

1- المنجد، ج 1، ص 483

2- فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، ص 252

3- مسالک الافهام، ج 3، ص 291

واژه تدلیس و مشتقات آن در قرآن کریم به کار نرفته است. همچنین در احادیث منقول از نبی اکرم (ص) در موضوع بیع و نکاح نمونه‌های بسیار محدودی از استعمال این واژه به چشم می‌خورد. مثلاً عدم تدلیس در بیع به عنوان یکی از ارکان کسب نیکو معرفی شده است.¹ علاوه بر آن، تصریح شده است که نکاح محلل باید نکاح به رغبت و نه نکاح به تدلیس (نکاح دلسه) باشد.² نگاهی اجمالی به آثار برجای مانده از صحابه و تابعین نشان می‌دهد که بحث از «تدلیس عیب» درباره نکاح و نیز بیع کالا در محافل فقهی آن زمان وجود داشته است.³ در روایات منقول از ائمه (ع) کاربرد تدلیس در نکاح گسترش یافته، و احکام و آثار حقوقی آن بیان شده است.⁴

پیامبر (ص) فرمودند: **ملعون من ضار مؤمناً او مکر به**. کسی که به مؤمنی ضرر رساند یا به او مکر ورزد مورد لعنت قرار می‌گیرد.

حضرت علی (ع) نیز فرموده اند: **المکر بمن ائتمنک کفر**. مکر ورزیدن به کسی که به تو اعتماد کرده است، کفر می‌باشد.

بررسی فقهی

نصوص دینی مشحون از دستورهایی است که به ذم رذائل اخلاقی چون «کذب، خدعه» و «غش» پرداخته‌اند.⁵ در این میان، واژه «تدلیس» در کنار الفاظ «تغیر»، «غرور» و «غش» بار معنایی حقوقی یافته، و بیانگر رابطه ناگستنی اخلاق و حقوق و رعایت عدل و انصاف در فقه اسلامی است. در فقه اهل سنت واژه تغیر بیش از تدلیس استعمال شده است.⁶ گفتنی است که موضوع تدلیس در ابواب فقهی مربوط به مکاسب حرام، بیع، نکاح و گاه شهادت مطرح بوده است. فقیهان اسلامی به حرمت تدلیس تصریح کرده‌اند و در مباحث فقهی خود مصادیق آن از قبیل «جَش» به معنای افزایش بهای کالا از سوی شخص ثالث که خریدار کالا نیست، برای جلب مشتری⁷، «تصریه»، بیع عین معیوب، تدلیس زن آرایشگر (ماشطه) چون سرخ‌گون کردن صورت و استفاده از موی مصنوعی، غش خفی مانند آمیختن شیر با آب، و ازدواج زن با پوشانیدن عیب را به تفصیل

1- اصول کافی، ج 5، ص 153

2- المعجم الكبير، ج 11، ص 180

3- المصنف، ج 6، ص 244، ج 8، ص 246

4- من لایحضره الفقیه ج 3، ص 424؛ تهذیب الاحکام ج 7، ص 432، 434؛ وسائل الشیعه، 217

5- السنن الکبری، ج 5، ص 320

6- فتح العزیز، ج 8، ص 333

7- الدروس الشرعیة، ج 3، ص 178

اسلام می زدند و خود را طرفدار جمهوری اسلامی می خواندند تا مردم مسلمان را تحت تأثیر سخنان خود قرار دهند، به مردم فرمودند: «حالا آمده‌اند طرفدار جمهوری اسلامی شده‌اند. این طرفداری نیست، این یک حقه بازی است به صورت طرفداری. اگر بخواهند بگویند من به اسلام کار ندارم و من ضد اسلامم، خوب، می‌دانند که مملکت ایران اسلام است و نمی‌گذارد که اینها یک کاری بکنند.. چاره ندارند، جز اینکه بگویند که ما هم اسلامی هستیم. لکن ما اعمالشان را باید ببینیم چطوری است»¹ از نظر امام «استفاده ابزاری از مقدسات» از سوی هر کسی که باشد محکوم است. ایشان در یک سخنرانی با تأکید بر لزوم تلاش همگانی برای اسلامی کردن همه شئون جامعه، از این که وقتی به بازار می‌روی اجحاف و گرانفروشی و رباخواری هست، و در عین حال مدعی اسلام بوده و برای امام زمان چراغانی هم می‌کنند، انتقاد کرده و اظهار داشتند: «خیال می‌کنند با این می‌شود امام زمان را بازی داد! نمی‌شود. تا یک نوری در قلب ما پیدا نشود فایده ندارد. هر چه هم از این اعمال بکنیم، اعمال است. از این اعمال همه می‌کنند، باید این اعمال بشود؛ نه اینکه اینها نشود، این اعمال بشود، پیوند با قلب داشته باشد»²

چه فرقی است میان آن بازاری که خون مردم را در شیشه می‌کند و در نیمه شعبان برای امام زمان چراغانی می‌کند، با کسانی که دم از امام زمان می‌زنند و از ظهور قریب الوقوع آن حضرت خبر می‌دهند، ولی اصول اخلاقی را زیر پا می‌نهند و برای رسیدن به قدرت و حفظ آن، قانون را نقض می‌کنند و پاسخ گوی کسی هم نیستند؟ آیا جز این است که یا شخصیتی متوهم دارند یا بازیگری می‌کنند تا مردم را بفریبند؟

6- فریب ملت با شعار «شاه سلطنت کند نه حکومت»

نمونه دیگری از فریبکاری رژیم پهلوی در اوج مبارزات ملت و در آستانه پیروزی انقلاب زمزمه «شاه سلطنت کند نه حکومت» بود. ادعا این بود که بر اساس این طرح، شاه یک مقام تشریفاتی بوده و حق دخالت در امور را نخواهد داشت. امام خمینی آن را فریبی برای نجات دادن شاه و سلطنت پهلوی از سقوط ارزیابی کرده، و به شدت با آن مخالفت نموده و در یک سخنرانی از آن چنین یاد کردند: «این نیرنگ برای این بود که ما را بازی بدهد و ما راضی بشویم به این که این آقا سلطان باشد و حکومت نکند تا این انقلاب بخوابد! انقلاب که خوابید، شمشیرش را بکشد پای همه شما را قطع بکند؛ یعنی نه عالم دینی دیگر بگذارد، نه رجل سیاسی، نه دانشگاهی بگذارد، نه مدرسه فیضیه‌ای. این نقشه است؛ نقشه بوده. حالا هم که الان ما مبتلا به یک نقشه دیگری هستیم»³

¹- همان، ج 12، ص 465

²- همان، ج 9، ص 18

³- همان، ج 6، ص 27

7- بازی با ملت ها با سازمان های بین المللی

امام معتقد بود که قدرت های چپاولگر غربی برای غارت منافع کشورعای شرقی سازمان هایی با نام های مختلف مثل «شورای امنیت»، «سازمان دفاع از حقوق بشر» تأسیس کردند تا تحت پوشش آن ها و با ظاهری قانونی به استعمار ملل مظلوم عالم پردازند. دیگر دوران چپاول عریان ملت ها بسر آمده و باید اهداف خود را با ظاهری آراسته همچون برقراری امنیت بین المللی، حقوق بشر و دموکراسی دنبال می کردند. برخورداری چند دولت قدرتمند از «حق وتو»، «دفاع از دولت های استبدادی و دیکتاتوری» که منافع آنان را تأمین کنند، «دشمنی با دولت هایی دموکراتیک و آزادی خواه» که از منافع ملی خود در برابر آنان دفاع کنند، و نمونه های فراوان دیگر از این قبیل، شاهد این مدعا است.

امام در سخنرانی های مختلف خود ادعاهای حقوق بشر دوستانه دول استعماری را به چالش کشیده و نمونه هایی از خروارها ظلم و جنایت آنان را در کشورهای گوناگون یادآور می شدند که نقل آن ها این نوشته را از حد یک مقاله فراتر می برد. تنها به نقل یک نمونه از بیانات ایشان بسنده می شود. می فرمود: «اساساً هر تشکیلاتی که این ابرقدرت های بزرگ در آن دست دارند، این تشکیلات تشکیلاتی است که باید به نفع آنها تمام شود. همین سازمان ملل، همین جلساتی که در خارج هست، شورای امنیت، همه این ها در خدمت ابرقدرت ها هستند و برای بازی دادن سایر کشورهاست و لهذا، برای خودشان وتو قرار می دهند و هر که مخالف با رأی خودشان است کنار می گذارند و اصلاً خود آنها هم اساساً در خدمت ابرقدرت ها هستند»¹

8- صفای نفس و سادگی از عوامل بازی خوردن

در سخنان امام از «عوامل فریب خوردن» و «راه های فریب نخوردن» نیز سخن گفته شده که اشاره به آن ها، هر چند مختصر و گذرا در این بحث مفید است. ایشان «سادگی و صفای نفس» را از جمله عوامل بازی خوردن انسان از بازیگران و حقه بازان می دانست و هوشیاری در این زمینه را به خصوص به افراد ساده لوح توصیه می کرد. ایشان این مطلب را هم گوشزد می کردند که در برابر دیگران همیشه نمی توان اصل را بر «صحت و سلامت نفس گفتار» گذاشت، بلکه در محیطی که فریبکاری و حقه بازی زیاد می شود، باید اصل را بر «عدم سلامت نفس» گذاشت و نهایت احتیاط را کرد. رعایت این نکته در برخورد با دیگران به ویژه آنان که منافعشان در گرو دروغگویی و فریبکاری است، اهمیت بیشتری دارد. در عرصه های اجتماعی و سیاسی که وسوسه قدرت و ثروت حتی افراد سالم را دچار لغزش می کند، نمی توان به راحتی بنا را بر اعتماد نهاد.

¹ - همان، ج 13، ص 190، ج 12، ص 350؛ ج 6، ص 494؛ ج 3، ص 303؛ ج 13، ص 190

حضرت امام یکی از علل فریب خوردن مردم از رضاخان و تظاهر او به دین داری را «صفای نفس، سادگی و بی آلاشی» آنان می دانستند. بدیهی است که فریب خوردن مردم که ابزار و تجربه کافی برای شناخت افراد و شخصیت های سیاسی ندارند تا حدودی طبیعی و قابل اغماض است، اما شخصیت های اجتماعی، مذهبی و سیاسی که دانش، تجربه و ابزار کافی برای شناخت افراد دارند، نباید به راحتی فریب بازیگران سیاسی را بخورند. گرچه مردم عادی هم باید چشم و گوش خود را باز کنند تا قدرت طلبان نتوانند با سرنوشت آنان بازی کنند .

یکی از مصادیق مطلب فوق جریان انحرافی در سال های اخیر است . آیا آنان که در طی سال های گذشته تمام قد از این جریان حمایت کردند، و هر منتقد و مخالفی را به خاطر نقد و ایراد به این جریان مورد حمله قرار دادند و از ایراد هیچ اتهامی به دلسوزان نظام و انقلاب دریغ نکردند، چه جوابی در پیشگاه خدا و خلق او دارند؟! متهمان ردیف اول ترویج خرافات و خواب و خیالات در محافل و مجالس مذهبی و مسبین اصلی فریب خوردن جوانان ساده لوح که یکی از پیامد های آن «سی دی ظهور نزدیک است» بود، اینک به جای تجدید نظر در «روش تبلیغ» خود، از ثمرات تلاش های خود در سال های گذشته تبرّی می جویند ! باری، حمایت اینان از این جریان انحرافی از دو حال خارج نیست: یا این جریان را می شناختند و حمایت کردند یا واقعا نمی شناختند و آن ها را جریان سالم و خدمتگذار می پنداشتند . در صورت اول، لابد برای قلع و قمع رقبای سیاسی خود از این جریان حمایت کردند تا از پتانسیل آن ها استفاده کرده و به اهداف انحصار طلبانه خود برسند. اگر چنین باشد، این افراد صلاحیت تصدی مسئولیت در جمهوری اسلامی را که شرطش «وارستگی و سلامت نفس» است، ندارند و به خاطر آن که تلاش نمودند تا رقبای سیاسی خود را حذف کنند، به فرموده امام «اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است»¹ به انقلاب و نظام ضربه زدند و مسئول اند در صورت دوم، اشتباه کرده و نشان دادند که قدرت تشخیص و شناخت جریانات سیاسی را ندارند، در این صورت نیز باید اعتراف به خطای خود کرده و از پیشگاه ملت به خاطر تحمیل هزینه های سنگین بر کشور عذر خواهی کرده و در صدد جبران برآیند و به جای اتخاذ موضع طلبکارانه، خود را مدیون ملت و نظام بدانند .

امام خمینی (ره): سیاست، راه بردن جامعه به طریق عدل، عقل، دین و انصاف است.

¹ - همان، ج 21، ص 176

تدلّیس یکی از موضوعاتی است که در فقه اسلامی در مورد آن بحث شده است و چون مفاهیمی مانند دروغ و نیرنگ و خدعه در آن نهفته است و شخصی که تدلیس را به کار می برد فقط برای پیشبرد هواهای نفسانی و شیطانی است ، لذا شارع مقدس از آن نهی فرموده است و در روایات کسانی که از مکر و خدعه برای رسیدن به هوا و هوس های زودگذر دنیایی استفاده می کنند و در این رهگذر موجب اذیت و آزار و ضرر رساندن به دیگران می شوند همسنگ کافران خوانده شده اند . بنابر این انسان مسلمان باید هشیار و بیدار بوده و مواظب باشد که نه خود از خدعه و نیرنگ و به عبارتی از تدلیس برای رسیدن به مطامع بی ارزش دنیوی استفاده کند و نه بازیچه سیاست بازان و هوس بازان قرار گیرد و این تجربه ای است که با مراجعه به تاریخ از صدر اسلام تاکنون بارها اتفاق افتاده است . نیرنگ بازانی چون معاویه و خاندان بنی امیه و بنی العباس و در تاریخ 2500 ساله شاهنشاهی و انقلاب اسلامی به عینه مشاهده و تجربه کرده ایم . در این رهگذر باید خدا را شاکر باشیم که چراغان هدایت را یکی بعد از دیگری در مسیر راه شیعیان قرار داده و در دوران غیبت امام عصر «عج» نیز علمای بزرگی همچون میرزای شیرازی ، مدرس ، امام خمینی «ره» و امام خامنه ای حفظه الله همواره شعار سیاست ما عین دیانت ماست را عملاً به مردم نشان دادند و بر ماست که در زمانه ی حساس کنونی که آتش فتنه و انحراف در یک غفلت ممکن است ما را نیز برباید بصیرت و هشیاری خود را بیش از پیش نموده و همراه و همگام با رهبری باشیم تا خدای ناکرده در دام سیاست بازان هوسباز قرار نگیریم .

- 1- ابن بابویه، محمد، معانی الاخبار، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، 1361ش
- 2- همو، من لایحضره الفقیه، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، 1404ق/1363ش
- 3- بهوتی، منصور، کشف القناع عن متن الاقناع، به کوشش محمدحسن اسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمیه
- 4- بیهقی، احمد، السنن الکبری، حیدرآباد دکن، 1355ق؛
- 5- حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، قم، 1412ق
- 6- حلی، حسن، تذکره الفقهاء، چ سنگی، تهران، 1272ق
- 7- رافعی، عبدالکریم، فتح العزیز، بیروت، دارالفکر
- 8- شهید اول، محمد، الدروس الشرعیة، قم، 1414ق
- 9- شهید ثانی، زین الدین، مسالک الافهام، قم، 1414ق
- 10- صاحب جواهر، محمدحسن، جواهرالکلام، به کوشش عباس قوچانی، تهران، 1394ق/1974م
- 11- صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، به کوشش حبیب الرحمن اعظمی، بیروت، 1403ق/1983م؛
- 12- طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی عبدالمجید سلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه
- 13- طوسی، محمد، تهذیب الاحکام، به کوشش حسن موسوی خراسان، تهران، 1365ق
- 14- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، 1377ش
- 15- کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، 1367ش
- 16- محقق کرکی، علی، جامع المقاصد، قم، 1411ق
- 17- مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی، تهران، 1357ش
- 18- معلوف، لوئیس، المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، انتشارات ایران، تهران، 1384
- 19- نراقی، احمد، مستندالشیعه، مشهد، 1415ق
- 20- صحیفه امام
- 21- شرح نهج البلاغه
- 22- تاریخ طبری
- 23- تاریخ سیاسی اسلام
- 24- تاریخ یعقوبی
- 25- الغدیر
- 26- سیره ابن هشام
- 27- دانش و ارزش